

ویژگیهای روش تدریس در مدارس

مدارس قدیم اسلام

بقلم دکتر محمد غفرانی دانشیار دانشگاه تهران

می‌توان به مرحلهٔ دروس خارج از سطح که معمول به حوزه‌های علمیه ایران است تشبیه کرد در این مرحله دانشجو با اسکانات علمی بیشتر و قدرت استنباط مسائل علمی را مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌دهد و چون در این راه بعد کمال مطلوب رسید بدریافت اجازه (پایان‌نامهٔ دورهٔ تخصص) از طرف استاد مفتخر می‌گردد و از این پس صلاحیت تکیه زدن بر مستند تدریس را بدست می‌آورد زیرا در اجازه‌نامه این صلاحیت از طرف استاد بدارنده آن تصریح و تفویض شده است و بسیار اتفاق می‌افتد که یک دانشمند از مشایخ متعدد بدریافت اجازه نائل می‌آید که برای وی امتیازی علمی بشمار می‌آید و این سنت هنوز کم‌وبیش در مدارس قدیمه اسلامی پایرجا است و نکته جالب توجه آنکه در مرحلهٔ تخصص دانشجو باید بآن پایه از مقام علمی

درگفتار گذشته پیرامون هدف از آموزش در مکتب اسلام باخوانندگان گرامی مکتب سام سخن گفتیم و آراء سربیان بزرگ اسلام را تا آنجا که بضاعت مزجات اقامه سطور مدد داد مورد بررسی قرار دادیم اینک به بحث در بارهٔ خصوصیات روش آموزش در مدارس دوران نخستین اسلام می‌پردازیم:

اصولاً همانگونه که کراراً معروض افتاد مدارس و مراکز تعلیم و تربیت اسلامی بدو مرحلهٔ ابتدائی و نهائی یا تخصصی تقسیم می‌شد و مرحلهٔ ابتدائی خود نیز از نظرسنوات تحصیل و دروس سقرر بچند درجه بر حسب تشخیص استاد تقسیم می‌شد و این درجه‌بندی نوعی منزلت علمی بود که از طرف استاد به شاگردانش اعطا می‌گردید چنانکه نظیر آن تا به امروز در تحصیلات علوم قدیمه رایج و متداول است و مرحلهٔ نهائی یا تخصصی را



رسیده باشد که بتواند در مسائل مورد بحث اظهار نظر کند و علناً در حلقه درس نظریه خود را که بر مبنای علمی استوار است بر استاد و حاضرین عرضه کند و به توجیه آن بپردازد و این نوع پژوهش در حوزه‌های علمیه ایران که از فرهنگ درخشان اسلام الهام می‌گیرد مباحثه نام دارد و گاهی طرفین در پافشاری و اصرار بر اثبات نظریه خود جلسه مباحثه را به تشنج می‌کشانند و این غرور علمی هر چند از نظر آداب تعلیم و تربیت و آئین سردسی اسری ناپسند می‌نماید ولی از آن جهت که این تهور و جسوری عشقی و علاقه طالب علم راه تبع و جستجوی از حقیقت افزون می‌سازد اسری بسیار پسندیده و سودمند است و ناگفته نماند که دانشجوی هرگز از مرز خود پا فراتر نمی‌نهد و بدل و جان به استادش ارج و احترام می‌نهد و آزادی گفتگو در حلقه درس به حیثیت علمی استاد لطمه وارد نمی‌کند بلکه رضایت و خشنودی خاطر او را فراهم می‌کند و مؤید این مدعا آنکه استاد پس از پایان هر درس بشاگردان مطالعه دروس آینده را توصیه می‌نماید تا هنگام حضور در حلقه درس برای تلقی بیانات استاد آمادگی ذهنی داشته باشند و اصطلاح «پیش مطالعه» در زبان فارسی ناظر بهمین مطلب است و اما مباحثه در اصطلاح مدارس دوران نخستین اسلام «مناظره» نام داشت و این سنت پسندیده علمی در صدر اسلام نیز میان صحابه و خاندان عصمت و طهارت اسری مدح و ستودن بود و این مناظره را می‌توان پایه و اساس جدل کلامی در اسلام دانست و بحکم آیه شریفه (و جاد لهم بالتی هی احسن) مناظرات صدر اسلام با روح تسامح و احتراز از الفاظ تند و خشونت‌آمیز توأم بود و تنها منطبق عقل و برهان بدآوری می‌نشست و در عصر عباسیان فلسفه یونان بفرهنگ اسلامی

راه یافت و فلسفه و علم کلام دوش بدوش یکدیگر جهت اثبات حقائق گام بر می‌داشتند و عبارات دیگر فلاسفه اسلام علوم فلسفی را بخدشت دین گماردند و با ظهور فرقه معتزله کار مناظره بالا گرفت و ابوحامد غزالی در این

باب چنین می‌گوید: گروهی از متکلمین معتزله در علم کلام شهرتی بسزا یافتند و مردم را به بحث و تحقیق درباره عقائد تشویق و ترغیب نمودند و در این زمینه آثار ارزنده و گرانبهائی از خود بیادگار نهادند و رفته رفته جدل کلامی

به مذاهب اسلامی نیز راه یافت و پیروان هر مذهب برای اثبات طریقت خود به مسائل کلامی احتجاج نموده و در این راه جزایحیای شریعت محمدی هدفی دیگر نداشتند و همین امر موجب گردید که مجالس بحث و مناظره علمی در بین علما و طلاب علوم از اهمیت خاصی برخوردار گردد و سپس ابوحامد غزالی اهل جلد و مناظره کلامی را از خودستانی و تظاهر و ریا برحذر داشته و به خلوص نیت و پاکی سریرت دعوت مینماید و هرگونه غلو و تعصب و پیروی کورانه را محکوم می‌داند^۱ و در حقیقت نظریه غزالی در کیفیت مجادله کلامی ناظر به دستور آسمانی است. که خداوند متعال در قرآن کریم خطاب به پیامبر می‌فرماید «و جادلهم بالتی هی أحسن» (۲) و متکلمین اسلامی بمنظور ارشاد طلاب علوم دینی کتابهای مفیدی در زمینه آداب مناظره و جدل برشته تحریر درآورده‌اند که بررسی آنها از حوصله گفتار ما بیرون است ولی می‌توان در اینجا به مهمترین شرایط مناظره علمی و جدل کلامی اشاره نمود:

الف - باید هدف اهل جلد و مناظره فقط کشف حقیقت و پیروی از منطوق و برهان باشد نه مجرد احتجاج و کوبیدن خصم هرچند بکتمان حق و سفسطه منجر گردد و چون به احتجاجات حضرت صادق علیه‌السلام با معاندین و ملاحده بنگرمیم مفهوم حقیقی مجادله و احتجاج را درسی یابیم و بهمین گونه بوده است روش سربیان بزرگ اسلام.

ب - طرفین مناظره باید علاوه بر فضل و دانش و وقوف بر مسائل کلامی از کمالات نفسانی و اخلاق فاضله برخوردار و از غرور و سراء و رشک و کینه‌توزی بدور باشند.^۳ و متأسفانه اصطکاک منافع فردی و مصالح سیاسی در دوران خلافت بنی‌امیه با

پیدایش احزاب چهره حقایق را دگرگون ساخت و مشکلاتی جبران ناپذیر برای جامعه اسلامی بوجود آورد که همه خوانندگان گرامی کم‌وبیش از سیاست کلی بنی‌امیه اطلاع دارند و در دوران بنی‌عباس هم برخلاف انتظار مسلمانان بویژه ایرانیان که نقش اساسی در روی کار آوردن دودمان بنی‌عباس داشتند مسائل کلامی و مجالس مناظره و جدل آمیخته با اغراض سیاسی و دنیوی بود و در پایمال کردن اصول مقدس اسلامی تا آنجا رسیدند که باصطلاح معروف روی بنی‌امیه را سفید کردند و از راه حقیقت منحرف گشتند و شعوبیه را باید زائیده سیاست غلط بنی‌امیه و بنی‌عباس در توجیه عقائد مذهبی بشمار آورد که هرچند از جهتی فرهنگ و معارف اسلامی را بارور ساخت ولی تا حد زیادی کوشش ذهنی علما و دانشمندان را بمجادلات فرقه‌گه‌گاه توأم با تعصب نیز بود مصروف داشت یا بعبارت دیگر ضایع و تباه گردانید. و دیگر ویژگیهای آموزش در دوران نخستین اسلام مسافرتهای علما و شیفتگان نیل بحقیقت را می‌توان نام برد و این مسئله در تعلیم و تربیت بین‌المللی از طرحهای ارزنده سربیان آموزش و پرورش بشمار می‌آید و مادر مقالات گذشته نظریه سورخ اسلامی این خلدون را برای خوانندگان محترم تشریح نمودیم در شرح زندگانی فقیه و محدث اسلامی ابوعبدالله بن ابی‌سلم هذلی می‌نویسند وی تحصیلات خود را در مصر آغاز کرد سپس بمدارس بغداد روی آورد و از محضر اساتید و دانشمندان توشه برگرفت و بهمین مقدار از معلومات تن در نداد و بمدینه منوره رهسپار شد و مدتی نیز در آنجای در محضر محدثین بفرارگرفتن علم حدیث پرداخت آنگاه بشام آمد و در آنجا رحل اقامت انداخت و فقهای شام از محضرش کسب فیض مینمودند وی بسال

۱۱۳ هجری بدرود زندگی گفت؛ و از آنجمله نیز پیرامون زندگانی معید بن مسیب می نویسد که وی شبها و روزها برای بست آوردن حدیثی آرام نمی نشست و از شهری رهسپار شهری می شد بهر حال مسافرت علمی و ملاقات با دانشمندان مشهور یکی از مشخصات روش تحصیل در دوران نخستین اسلام بود و در مدارس اسلامی بابتگونه مسافرتها اهتمام و علاقه خاص نشان می دادند و شاید گزاف نگوئیم که دانشمندان این دوره بدون استثناء با توجه باوضاع مالی و طبیعی برای تحصیل ترك دیار خود نمودند و غالب آنها بموطن اصلی باز نگشتند و عمر خود را به خدمت در راه علم و دانش پروری گذرانیدند و در نقل احادیث نبوی کمال دقت و امانت بکار بردند و برای شناخت صحیح و غیر صحیح و جرح و تعدیل آنها معیارهای علمی ارائه دادند این معنایی بهنگام بحث پیرامون تتبع سلسله راویان حدیث می گوید: جعفر بن محمد علیه السلام از پدرش از علی بن الحسین علیهما - السلام از پدرش از جدش رسول خدا (ص) روایت کرده می فرماید: چون حدیثی را نوشتید سلسله روات آنرا نیز ذکر کنید و چنانچه آن حدیث مأثور و از رسول خدا باشد شما هم در نقل آن پاداش نیک خواهید داشت و اگر نادرست باشد وزر و گناه آن در واقع بعهدۀ راوی است، بدیهی است ذکر سند قطع نظر از صحت و سقم روایت از تحریف و خلط و اشتباه جلوگیری می کند این سیرین می گوید در عهد خلفای راشدین و تابعین بذكر سند اهتمامی داده نمی شد و چون میان مسلمانان فتنه و انشعاب رخ داد محدثان سلسله رواۀ را ذکر می کردند تا راه را بر احادیث مجهول سد نمایند و بهترین طریق

نگارش حدیث آن بود که محدث روایت را بر شاگردانش املاء می کرد و آنان گفته شیخ خود را ضبط می کردند و حلقات املائی حدیث گاه از صدها نفر مستمع و نویسنده تجاوز می کرد و گویند مجلس حدیث امام صادق علیه السلام از هزار نفر تجاوز می کرد و نکته جالب آنکه برای محدث آداب و شرائط خاص ذکر کرده اند از آنجمله محدث بهنگام بر شدن بر منبر و یا جلوس در حلقه درس باید با وقار و حشمت باشد و رسول اکرم (ص) بارها خطاب به صحابه می فرمودند من گوینده با وقار و پاکیزه جامه را بسیار می پسندم و از اینجهت محدثان صدر اسلام به تبعیت از سنت رسول خدا بهنگام نقل حدیث جامه پاکیزه و سفید بر تن می کردند و با آراستی و حشمت و وقار در مجلس درس حضور می یافتند و این روش در تربیت روانی حاضرین و احترام به حلقه درس و تجلیل از مقام استاد نقش مؤثری داشت و در گفتارهای گذشته پیرامون آداب حضور در مجلس درس با خوانندگان گرامی مکتب مام سخن گفتیم و مستملی بر کسی اطلاق می شد که سخن استاد را بگوش شاگردان که در آخر حلقه درس نشسته اند برساند چون مکبر در نماز جماعت و مستملی بسته به تعداد دانشجویان گاه به پنج الی ده نفر بالغ می گردید و آنان افرادی انتخاب می شدند که واجد شرائط زیر باشند:

- ۱ - زبانی رسا و گویا داشته باشد.
- ۲ - از هوش و ذکاوت برخوردار باشد تا در صحت نقل سخن استاد دچار تردید نگردد.
- ۳ - پرگو و چاپلوس نباشد.
- ۴ - خودخواه و خودپسند نباشد.
- ۵ - چهره ای باز و سیمائی دلنشین داشته باشد.

و نقش این افراد همان نقشی است که

اسروزمیکروفون در کلاسهای بزرگ و تلوویزیون
آشوزشی در خانه‌ها و اماکن مختلف انجام
می‌دهند. و این روش از پدیده‌های عصر
اسلامی در مدارس و مجالس درس است.

دیگر از ویژگیهای آشوزش در دوران
نخستین اسلام تدوین یا عبارت معروف جزوه
نویسی و تقریرنویسی است که از اواسط قرن
دوم هجری در مدارس متداول گردید و اصولاً
نویسندگی که خود در تعلیم و تربیت امری
مهم بشمار می‌آید از آغاز عصر بنی‌عباس
رونقی بسزا یافت و ایرانیان که در دستگاه
بنی‌عباس غالباً وظیفه نویسندگی و ریاست
دواوین را بعهده داشتند زمینه را برای یک
نهضت همه‌جانبه در تدوین و تألیف فراهم
ساختند و از این پس محفوظات برشته تحریر
درآمد هرچند نویسندگی و تدوین در دوره
خلافت بنی‌امیه امری ناشناخته نبود ولی
عمومیت نداشت بلکه‌گاه با تحقیر و عدم
اهتمام مواجه می‌شد و شاید هم انگیزه
نژادی داشت چه سیاست بنی‌امیه برخلاف
تعالیم مقدس اسلام و سیره حمیده رسول خدا
بر پایه برتری نژادی استوار بود و از آنجا که
سوالی یا عبارت دیگر ایرانیان مسلمان از
مزایای اجتماعی برخوردار نبودند و نویسندگی
که یکی از کمالات آنان بشمار می‌آمد بالطبع
توجهی بان نمی‌شد مگر بان مقدار که ضرورت
ایجاب نماید و در اواخر خلافت بنی‌امیه
رفته رفته اهمیت نویسندگی و تألیف و تدوین
آشکار گردید و سمت کاتب یا منشی در دستگاه
حکومت ارج و منزلتی یافت که می‌توان
دانشمند ایرانی نژاد عبدالحمید کاتب منشی
یا وزیر بلاسنازع محمدبن مروان را بعنوان
مثال ذکر کرد بهرحال همانگونه که اشاره
شد نوشتن دروس در حلقات درس و یا تقریر
کردن درس استاد که ابتدا بصورت یادداشت

تهیه می‌شد و سپس با کمک ذهنی و قدرت
علمی دانشجو در خارج از حلقه درس بسط و
توسعه می‌یافت رهاورد عصر خلافت عباسیان
است و با احتمال قوی تقلیدی است از روش
آشوزش در مدارس ایران پیش از اسلام و
اگر این حقیقت را هم نادیده انگاریم آنچه
مسلم است نهضت تألیف و ترجمه بدست
ایرانیان بی‌ریزی شد و این قولی است که
جملگی برآندد ایرانیان در هموار ساختن راه
ورود واژه‌ها و اصطلاحات علمی بزبان عربی
نقش رهبری داشتند و اصولاً کتابت و نویسندگی
را تحت ضوابط علمی درآوردند و برای مؤلف
و ناسخ و خطاط و دیگر مناصب نویسندگی
شرائط ویژه‌ای ملحوظ گردانیدند که هرکس
نمی‌توانست شایستگی منصب کتابت را که از
مناصب بسیار مهم دستگاه خلافت بنی‌عباس
بود بسادگی احراز نماید این جماعه کنانی
می‌گوید: هرکس بخواهد بکار تألیف و
تصنیف بپردازد باید واجد کمالات علمی بوده
و صلاحیت این سمت بزرگ را از هر جهت
احراز نماید و مؤلف باید نگارش موضوعی را
برگزیند که برای غالب طبقات مفید و سودمند
بوده و پاسخگوی احتیاجات ضروری جامعه
باشد، مؤلف باید بهنگام توضیح مطالب علمی
سخن کوتاه کند و از اطناف و حاشیه رفتن که
خواننده را از دایره موضوع مورد بحث خارج
سازد احتراز جوید و چون از کار تألیف فراغت
یافت پیش از اجازه استنساخ و انتشار آن
بین مردم لازم است که یکبار دیگر نوشته
خود را مرور و مطالعه کرده و بتهدیب و
تجدید نظر در آن همت گمارد و مسامحه روا
ندارد تا خواننده در غفلت و بیخبری یا زلت
و گمراهی نیفتد و هستند سردسی که به این
سمت علمی با دیده حقارت می‌نگرند ولی باید
گفت که آنان سردسی کوتاه فکر هستند و بر



فضل و کمالات دیگران رشک می‌برند.^۱ و ناگفته نماند که تعلیمات دینی در ایران پیش از اسلام برای عموم طبقات فرض و واجب بود و موبدان در آتشکده‌ها اصول عقائد زردشت را با سبک علمی بصورت سؤال و جواب به نوبادگان می‌آموختند و ضمناً نوشتن و خواندن را در حدود اطلاعات مذهبی نیز فرامی‌گرفتند و این نوع تعلیم خود موجب تشویق افراد به خواندن و نوشتن می‌شد هر چند تعدد طبقات اجتماعی از رسوخ آن در میان همه افراد جلوگیری می‌کرد و لسی نویسنده‌گی نه تنها ناپسند و ناچیز شمرده نمی‌شد بلکه بآن با دیده احترام می‌نگریستند و همین علاقه و شوق به خواندن و نوشتن در عصر عباسیان در جامعه اسلامی بعد کمال خود رسید و بحکم حدیث شریف «طلب العلم فریضة علی کل مسلم و مسلمة» دامنه فراگیری و آموزش در همه سطوح و طبقات گسترش یافت و بدینوسیله فرهنگ و معارف بشری در

کسوتی نو بقلب زبان عربی درآمد و جهان را از پرتو معرفت روشن ساخت این بود گفتاری کوتاه پیرامون ویژگیهای روش آموزش و خصائص تعلیم و تربیت در مراکز فرهنگی دوران نخستین اسلام که برای خوانندگان گرامی مکتب مام معروض افتاد و امید است در مقاله آینده پیرامون تألیف و تصنیف در این فترت از تاریخ شکوهمند اسلام بتفصیل سخن بگوئیم .

(۱) ر، ک فاتحه العلوم تألیف ابو حامد غزالی چاپ قاهره .

(۲) سورة النحل آیه ۱۲۵ .

(۳) التعلیم و التربیة فی الاسلام بمحمد اسعد طلس .

(۴) تذکره الحفاظ ج ۱ ص ۳۰۳ چاپ قاهره

(۵) ادب الاملاء والاستملاء تألیف ابن سمانی ص ۲ - ۷

(۶) تذکره السامع ص ۲۰